

رازهای زندگی خامنه ای

محسن مخملباف

نوشته حاضر اطلاعاتی است که از طریق کارمندان سابق بیت رهبری و وزارت اطلاعات که به خارج از کشور گریخته اند برای من بازگو شده است و من تنظیم متن آن را به عهده داشته ام.

مقدمه:

خامنه ای فردی است که در چند دهه گذشته بیشترین تاثیر را بر زندگی عمومی و حتی خصوصی ایرانی ها، پس از شاه و خمینی داشته است. او کسی است که بیش از هرکسی از طریق سیستم های اطلاعاتی اش، درباره این و آن می داند؛ اما کمتر کسی است که از جزئیات خانه و خانواده و ارتباطات و علائق شخصی و یا نحوه کار او با خبر باشد. این راز داری افراطی از سوی خود او و سیستمش عمدی بوده است. در راز بودن، از او یک کاریزما ی مقدس برای طرفدارانش و یک چهره مخوف برای مردم ساخته است.

مطلب حاضر می کوشد از طریق منابع دست اول واقعیت خامنه ای را آنچنان که واقعا هست بشناساند. این شناسایی به دور از ابراز نفرت های متداول این روزها یا شیفتگی های طرفداران افراطی اوست.

برنامه روزانه خامنه ای:

ساعت 4 صبح برخاستن از خواب و اقامه نماز شب
ساعت 6 تا 6:30 ملاقات با حجازی (رئیس دفترش)
ساعت 6:30 تا 7 ملاقات با وحید (معاون اجرایی بیت رهبری)
ساعت 7 تا 8 ملاقات با مجتبی (پسردومش) هفته ای سه روز (مجتبی در سال حدود 150 روز در حوزه علمیه قم درس می دهد. اما در غیر از این 150 روز هر صبح با پدرش ملاقات می کند.)
ساعت 8 تا 10:30 مطالعه پرونده های امنیتی، سیاسی و اقتصادی.
ساعت 10:30 تا 12 (خواب و استراحت نیمروزی)
ساعت 12 تا 1 نماز جماعت و ناهار
ساعت 1 تا 3 ملاقات های ضروری (که در هر زمان متفاوت است. و بیشتر برای حل بحرانها پیش بینی نشده است.)
ساعت 3 تا 5 رسیدگی به کارهای شخصی.
ساعت 5 تا 8 ملاقات های ویژه (شرح این ملاقات ها در برنامه هفتگی و ماهانه آمده است)
ساعت 8 تا 8:30 شام
ساعت 8:30 تا 9 گوش کردن به شنودها
ساعت 9 شب رفتن به رختخواب

برنامه هفتگی خامنه ای:

- یکشنبه ها بعد از ظهر ملاقات با فرماندهان ارتش
- یکشنبه ها بعد از ظهر ملاقات با فرماندهان سپاه
- دوشنبه شام ملاقات با رئیس جمهوری
- سه شنبه صبح ملاقات با مسئولین کارهای اقتصادی خودش (حسن خامنه ای (برادرش)/میرمحمدی/مجتبی خامنه ای/ و شریعتمدار وزیر بازرگانی)
- سه شنبه ها شام ملاقات با هاشمی رفسنجانی
- چهارشنبه بعد از ظهر ملاقات با اعضای شورای نگهبان
- چهارشنبه شب با جنتی شام می خورد.

برنامه ماهانه:

- ملاقات با رئیس مجلس
- ملاقات با رئیس قوه قضائیه
- ملاقات با مشاورین مذهبی (کسانی که از قم می آیند. مثل مقتدایی و یزدی)
- ملاقات با مشاورین دیگر

علائق شخصی خامنه ای: غذا:

به توصیه پزشکان خاویار و ماهی قزل آلاهی خال قرمز رودخانه لار به وی توصیه شد، اما رفته رفته این دو غذا جزو علائق شخصی ایشان شد. خاویار از رشت توسط امام جمعه رشت ارسال می شود. هم چنین گوشت قرقاول که از شیراز توسط آقای حائری ارسال می شود. و مصرف گوشت بلدرچین و شتر مرغ (برای پرهیز از کلسترول) برای کنترل غذای خامنه ای و اطمینان از سمی نبودن آن دستگاهی به مبلغ 500 هزار دلار از آمریکا خریده شده که با افزودن یک ماده، غذا آزمایش می شود و آشپز خود بایستی در حضور محافظین قبل از دیگران غذا را بچشد.

ورزش:

کوهنوردی و اسب سواری، یک بار خامنه ای به خاطر اسب سواری در سال 78 به زمین افتاد و دستش شکست، چون او با یک دست اسب سواری می کند. در سفرهای طولانی داخلی، مثل سفر به مشهد، اسب مخصوص خامنه ای و اسب مجتبی را با هواپیمای 330 به محل می برند. هم چنین سه کامیون مخصوص حمل اسب برای جا به جایی های نزدیک تر موجود است.

اسب ها:

تعداد اسب ها حدود 100 عدد است که ارزش کل آن 40 میلیون دلار برآورد شده و گرانترین آن ها 7 میلیون دلار قیمت دارد و نام آن ذوالجنان است. اسب مجتبی سهند نام دارد. برای اسب ها دو اصطبل موجود است، یکی در باغ ملک آباد مشهد به مساحت 10 هزار متر که دارای 70 اسب است و یکی در لواسانات به مساحت 3 هزار متر که دارای 30 اسب است.

گده:

گاهی با راشد یزدی (آخوندی که جوک های رکیک می گوید) گده می کند. این کار برای خامنه ای اسباب خنده می شود، (کاری که کریم شیره ای برای ناصرالدین شاه انجام می داد.) و هم از طریق شنیدن جوک های رکیک که نوعی تخلیه روانی جامعه است، نبض جامعه را می گیرد. در این گده ها محمدی گلپایگانی و وحید حقانیان هم حضور می یابند. گاهی جنتی را هم دعوت می کنند که معمولاً جنتی توسط راشد دست انداخته می شود. مجتبی از گده های خامنه ای متنفر است، چرا که خودش در آن جا نفوذ ندارد و در غیاب او راشد یزدی می تواند توصیه های اقتصادی و سیاسی را مطرح کند و از خامنه ای برای این و آن امتیاز بگیرد.

مطالعه:

غیر از مطالعه پرونده ها و مطبوعات، خامنه ای کمتر وقتی برای مطالعه کتاب دارد. او از زمان ریاست جمهوری اش بارها به این و آن گفته است که بدی پست ریاست جمهوری این است که فرصت مطالعه را از شخص مسئول می گیرد اما هر از چند گاهی به مطالعه کتاب هایی که درباره روسای جمهور و رهبران دنیا منتشر می شود می پردازد. بیش از همه به زندگی دوران قاجار علاقه دارد. و به ویژه به ناصرالدین شاه. تمام کتاب هایی را که در مورد او منتشر شده خوانده است. همین طور تمام کتاب هایی را که در مورد شاه و خاندان او منتشر شده.

کلکسیون پپ:

خامنه ای ابتدا سیگاری بود. در همان اوایل ریاست جمهوری به دلیل پرستیژ مورد نیاز یک رئیس جمهور، سیگار را ترک کرد. او نمی خواست عکس او در حال سیگار کشیدن منتشر شود. در آن زمان که هنوز با موسوی نخست وزیر نزدیک تر بود، دو نفری تصمیم به ترک سیگار گرفتند و پس از آن هیچ گاه هیچکدام لب به سیگار نزدند. اما پپ را از همان زمان حفظ کرده است. و یکبار عکس او در حالی که پپی به لب داشت منتشر شد. برای او توتون خاص پپ تهیه می شود و در کلکسیون پپی او تاکنون 200 پپی جمع آوری شده است. تمام شایعات مربوط به کشیدن تریاک در مورد او دروغ است. اما در مورد شعرای نزدیک به خود مثل علی معلم و شهریار و سبزواری دستور داده بوده است که مزاحم تریاک کشیدن آن ها نشوند. و حتی در مورد شهریار سپرده بود تریاک او را برایش تامین کنند و از طرف آقا به در خانه اش ببرند.

ارزش پپی های او حدود 2 میلیون دلار برآورد می شود. اکثر پپی ها برایش تحفه آورده شده. گرانترین پپی 250 هزار دلار قیمت دارد که مربوط به 300 سال پیش است. دسته این پپی طلا کوب و جواهر نشان است. بعضی از پپی ها توسط روسای جمهور و رهبران جهان به او هدیه داده شده است. و در جعبه پپی نام اهداء کننده مشخص است.

کلکسیون انگشتر:

در کلکسیون انگشتی های خامنه ای حدود 300 انگشتی خاص جمع آوری شده که 3 تای آن ها از آستان قدس به او تحفه داده شده است. گرانترین انگشتی 500 هزار دلار قیمت گذاری شده و قدیمی ترین عقیق دنیا را دارد. این کلکسیون ها در بیت رهبری نگهداری می شود.

کلکسیون عصا:

در کلکسیون عصای خامنه ای تا چند سال پیش 170 عصای آنتیک وجود داشت که یک میلیون و دویست هزار دلار قیمت گذاری شده بود. گرانترین عصا 200 هزار دلار قیمت دارد که متعلق به 170 سال پیش است و جواهر نشان است. گاهی در موارد خاص عصا یا انگشتی یا عباپی را برای این و آن تحفه می فرستد. پیش از انتخابات اخیر (سال 1388) که میر حسین موسوی کاندیدا بود، به دیدار پدر موسوی رفت و عصایی را به وی هدیه داد که عده ای آن را مبنی بر موافقت خامنه ای با کاندیدا شدن پسر او قلمداد کردند. در اوایل رهبری و پس از مرگ خمینی عباپی را برای آقای طاهری امام جمعه وقت اصفهان فرستاد، زیرا از طاهری نقل شده بود که خمینی در هنگام تماشای خامنه ای از تلویزیون در سفر هند گفته بود خامنه ای به درد رهبری می خورد. و همین نقل قول خبرگان را راضی کرد تا به خامنه ای رای بدهند. فیلم خبرگان و این نقل قول در یوتیوب موجود است. برای شعرا و هنرمندان هوادار خود معمولا سکه طلا تحفه می دهد. گاهی نیز چکی به امضای دفتر رهبری می فرستد. هر از چند گاه گروهی از ادبای مداح نظام به بیت دعوت می شوند و پس از خواندن شعر صله می گیرند. (سنتی که در دربار قاجار و به ویژه در زمان ناصرالدین شاه مد بوده است.)

کلکسیون عبا:

شماره عباهای کلکسیون خامنه ای حدود 120 عدد است و قیمت مجموعه آن ها حدود 400 هزار دلار است که گرانترین آن ها 30 هزار دلار می ارزد. اما از همه آن ها بیشتر به عبا سبید رنگی که گاهی می پوشد علاقه دارد. عباها از پشم شتر است.

علاقی دیگر:

شایعاتی دال بر این که او در جوانی تار یا سه تار می زده دروغ است اما در جوانی به موسیقی علاقه داشته و موسیقی کلاسیک ایرانی را می شنیده است. صدای شجریان را دوست داشته است اما به دلیل مواضع سیاسی شجریان از او دل کنده است و از او بدش می آید. بعد از رهبری و به ویژه اخیرا مواضع ضد موسیقی او قوی تر شده و در تلویزیون بارها علیه موسیقی حرف زده است. در سال 1388 به رادیو و تلویزیون دستور داده است از حجم موسیقی کم شود تا طرفداران مذهبی ترش را راضی تر نگهدارد. او در جوانی (و شاید هم فقط از سر جوانی) یک فولکس واگن قرمز رنگ خریده و باور نمی کرده که سال ها بعد ممکن است در حکومت او بعضی برای رنگ ماشین خود مورد مواخذه واقع شوند.

ری شهری در گزارشی که از گذشته خامنه ای برای خمینی تهیه کرد به دو زن صیغه ای او در جوانی اشاره کرده است. این دو زن در مشهد زندگی می کنند.

شعر

علاقه خامنه ای به شعر از جوانی شروع شده و تاکنون ادامه داشته است. او در جوانی در انجمن شعر مشهد مدتی طولانی حضور می یافته است. گاهی شعر هم سروده. و بسیار دوست دارد شعرا در موردش شعر بگویند و او به آن ها صله بدهد. سبزواری و علی معلم از شاعران مسلمان مدیحه گوی او با او حشر و نشر مدام دارند. و از طریق آن ها از مشکلات اهل هنر وابسته به نظام با خبر می شود. در اوایل رهبری میرشکاک شاعر را هم که گاهی دچار جنون ادواری می شود را چند بار به حضور پذیرفته بود و میرشکاک از این که در هنگام خداحافظی گفته بود سید زت زیاد به خود می بالید. (منظور عزت زیاد است. که یک دعای لاتی است.) خامنه ای هر سال بارها شعرا را به بیت خود دعوت می کند تا در حضور او شب شعر بگذارند. در اوایل ریاست جمهوری خود از اخوان ثالث که از نزدیک او را می شناخت درخواست کرد که در مدح انقلاب شعری بگوید. اخوان ثالث در جواب او گفت: ما هنرمندان بر حکومتیم و نه با حکومت. این جمله چنان او را بر آشفت که دستور داد حقوق ماهیانه او را از محل کارش قطع کردند. و اخوان پس از آن بی کار شد. قیصر امین پور در یادنامه اخوان (باغ بی برگی) به این نکته در مقاله خود اشاره کرده است. خامنه ای از شاملو به شدت بدش می آمد و از او با نفرت یاد می کرد اما جرات نکرد او را دستگیر و مجازات کند، زیرا می ترسید بدنام تاریخ شود. او از پادشاهانی که با شعرا بدی کرده بودند بسیار خوانده است. او جمله لنین را که اگر یک ایدئولوژی با هنر حمایت نشود خواهد مرد، در سخنرانی هایش بسیار آورده است. علاقه او به شعر آنقدر هست که اگر سر از سیاست و روحانیت در نمی آورد، بعید نبود به سراغ شعر و ادبیات برود. با این وصف به دلیل مشغله فراوان گاهی خطاهای فاحش می کند و با آن که می نمایاند که شعر شناس است، وقتی شاعره جوانی در مقابل او شعری را خواند، از او پرسید: این شعر از خودتان است؟ و شاعره پاسخ داد: نخیر این

شعر از سهراب سپهری است. (سپهری شاعری است که این روزها در ایران هر بچه مدرسه ای هم شعر او را می شناسد)

رابطه خامنه ای و همسر و بچه هایش:

خجسته نام همسر خامنه ای است. خجسته خانم خیلی تحت سلطه خامنه ای است. ولی از برادرهایش هم خط می گیرد. یک بار بیمارستان شرکت نفت قورق شد تا خجسته خانم برای زیبایی شکم مورد عمل ساکشن (برای برداشتن چربی های شکمش قرار گیرد). خجسته خانم به دلیل التهاب روده بزرگ دوبار هم در لندن مورد عمل جراحی قرار گرفته است. مجتبی خامنه ای دومین فرزند خامنه ای روی پدرش بسیار نفوذ دارد اما هر کجا کم می آورد از طریق مادرش خجسته خانم وارد می شود.

اکنون خجسته خانم (در سال 2009) حدود 67 سال دارد. یکی از برادرانش با مجاهدین خلق رابطه داشته و به سوئد فرار کرده است. اوغیر از برادر فراری، سه برادر دیگر هم دارد که در گیر بیزینس های بزرگند. حسن، برادر خجسته خانم همه کاره تلویزیون جمهوری اسلامی است. کمیسیون های خرید دوربین و تلویزیون سونی در انحصار اوست. مبلغ خرید های تلویزیون ایران از محصولات سونی اعم از دوربین و سیستم های مونتاژ و غیره رقم بالایی نیست. تقریباً 50 تا 60 میلیون دلار در سال. اما مردم از تلویزیون سونی سالی 500 تا 600 میلیون دلار خرید می کنند که 7 درصد آن به حسن آقا برادر خجسته خانم می رسد. ابتدا حق انحصار سونی مربوط به یک ایرانی در دبی بود که او را تهدید کردند و او خودش از ترس امتیازش را لغو کرد. خجسته خانم علیرغم زندگی مرفه داخل، مدام نگران است آنچه از بیرون درباره زندگی آن ها دیده می شود ساده ننماید. او سه ندیمه دارد و هیچگاه به آرایشگاه بیرون از خانه مراجعه نمی کند و برایش آرایشگر از بیرون می آورند. او به ماساژ علاقه دارد و یک خانم کره ای مسئول ماساژ اوست.

بتول خانم زن خمینی از او خیلی بدش می آمد و معتقد بود او هم مثل شوهرش مغرور است. و از وقتی خامنه ای رهبر شده او هم احساس می کند ولی فقیه زنهاست.

خجسته خانم ابتدا خودش آشپزی می کرد اما الان هفت هشت سال است که نمی تواند آشپزی کند. و یک پیرمرد که سید نام دارد مسئول آشپزی است.

انتخاب عروس ها و داماد ها در خانه خامنه ای به عهده خجسته خانم ست. ابتدا او چند نفر از خانواده های نزدیک به بیت رهبری یا علمای درجه اول را انتخاب می کند، و از طریق رفت و آمد آن ها را بیشتر می شناسد. بعد وزارت اطلاعات، شعبه مخصوص، تحقیقاتش را کامل می کند و بعد دختران و پسران خامنه ای از بین کاندیداهای مادر که مورد تایید رهبری قرار گرفته اند، یکی را می پسندند این ازدواج ها گاهی دچار مشکلات عمده نیز شده است. در مورد همسر مجتبی (دختر حداد عادل) چون بچه دار نمی شد، نزدیک بود کار به جدایی بکشد. در مورد مسعود (دختر آیت اله خرازی) به دلیل اختلافات سیاسی کار تا جدایی پیش رفته است. و سوسن خرازی برای طلاق به خانه پدر برگشته است.

در روابط خانوادگی پیش روی دیگران ادب حضور کاملاً رعایت می شود. مثلاً بچه ها به پدر خود بابا نمی گویند، بلکه از واژه «آقا» «رهبر» «حضرت آیت اله» استفاده می کنند. و خامنه ای نیز بچه هایش را بدون احترام صدا نمی کند. معمولاً از زبان او شنیده شده «آقا مصطفی» «آقا مجتبی» «آقا مسعود» «آقا میثم» اما نام دختران کمتر در ملاقات ها بر زبان او جاری می شود، مگر در ملاقات های خانوادگی که باز هم با نام «بشری خانم» یا «بشری سادات» «هدی خانم» یا «هدی سادات» خوانده می شوند.

بچه ها به ویژه مجتبی اگر پای بحث پیش بیاید در مورد چگونگی انتخاب آقای خامنه ای توسط خبرگان می گویند: "خبرگان آقای خامنه ای را انتخاب نکرد، بلکه ایشان را کشف کرد. ایشان نائب امام زمان هستند و خدا این استعداد را به علما و خبرگان اعطا کرد تا ایشان را کشف کنند."

این نحوه احترام در مدیران و کارمندان بیت رهبری نیز به این شکل رعایت می شود که هرگاه کسی از دیدار آقای خامنه ای برمی گردد به او می گویند «زیارت قبول» و کسی در دفتر آقای خامنه ای حق ندارد بگوید به ملاقات آقای خامنه ای می روم یا قرار ملاقات دارم، بلکه از واژه «شرفیاب می شوم» و یا «به زیارت می روم» استفاده می شود. در اجرای این ادب حضور بیش از همه حجازی (رئیس دفتر خامنه ای) اصرار دارد.

نماز جماعت بیت رهبری:

هفته ای 3 تا 4 روز نماز جماعت در بیت برگزار می شود. حدود 15 نفر در هر نماز جماعت افتخار آن را دارند که پس نماز باشند. 10 نفر آن ها مدیران بیت رهبری هستند که همیشگی اند. اما هر روزه حدود 4 تا 5 مهمان نیز برای نماز جماعت حضور دارند. حضور در نماز جماعت آقا سرفعلی دارد. و بازاریانی که مشکل دارند چنانچه سر نماز آقا حاضر شوند و برای حل مشکل خود توصیه ای از آقا بگیرند، کسب و کارشان رونق می گیرد. آنها حاضرند از قبل بهای این سرفعلی را که حدوداً مبلغ پانصد میلیون تومان است، به حجازی و محمدی گلپایگانی بپردازند. این پس نمازها مبلغ پانصد میلیون تومانی را که داده اند، بعداً از طریق سودی که از توصیه آقا برده اند، چند برابر جبران می کنند. در نتیجه مشتریان نماز جماعت آقا، معمولاً از اهل بازار هستند. از امنیتی ها کسانی که خواستار ارتقا در شغل خود هستند نیز، در این نماز جماعت ها بسیار شرکت می کنند.

رابطه خامنه ای و مریدانش:

وقتی آقای خامنه ای به مشهد می رود و از یک قندان قندی را بر می دارد، برای مریدان آقا قندان قند متبرک می شود. وقتی از جایی رد می شود تا به زیارت برود، طرفداران او جای خالی پای او را بوسه می زنند. فیلم بوسه زدن بر جای پای خامنه ای توسط مریدانش روی یوتیوب موجود است. معلوم نیست اگر این مریدان از جلسات گده خامنه ای که به جوک های رکیک آخوند راشد ریشه می رود با خبر شوند تا چه اندازه دچار شوک خواهند شد و آیا باز هم قندهای باقی مانده از چای او، همان اندازه برایشان متبرک خواهد بود؟ جمله تکراری خامنه ای از بیست سال پیش این است « این کار را بکنید، اما مردم نفهمند » « آن کار را بکنید، اما کسی نفهمد » و آن ها که این جمله را می شنوند، می دانند که همه اقتدار بیت رهبری در سایه بی خبر نگهداشتن مردم از راز های خصوصی زندگی آقای خامنه ای و راز های پشت پرده دفتر رهبری است. تا قبل از نماز جمعه، یک هفته پس از انتخابات، خامنه ای مسئولیت هیچ چیز را به عهده نمی گرفت و همه فکر می کردند او نقش بالانس کننده قدرت را در بین جریانات مختلف بازی می کند. اما در آن نماز جمعه، یکباره همه چیز بر ملا شد و نقش جهت دار خامنه ای در جریانات سیاسی و گناه او در سرکوب ها عیان شد.

مسئولان حفاظت خامنه ای:

تیم محافظت خمینی 200 نفر بودند. اما مجموعه ای که از خامنه ای محافظت می کنند 10000 نفرند. (بادآورگارد جاویدان شاه که هیچ گاه از آن کم نمی شد) در این بین دو نفری که نقش اساسی دارند دین شعاری و حسین جباری هستند. این دو کسانی هستند که شب ها پشت در اتاق خامنه ای کشیک می دهند و تنها کسانی هستند که حق دارند در نزدیکی خامنه ای مسلح باشند. آن ها 30 سال است که محافظین اصلی خامنه ای هستند. اما مدیران تیم محافظت از خامنه ای در دوران مختلف این ها بوده اند:

1. خسروی وفا (رئیس تیم جانبازان)
 2. اصغر زاده (نماینده مجلس)
 3. متولیان (سپاه)
 4. رضائی (اطلاعات سپاه)
 5. نجات (شورای امنیت)
 6. چیدری (در حال حاضر او مسئول محافظین است.)
- محافظین نزدیک که یک جمع 200 نفره هستند و از نزدیک شاهد سفرها و زندگی در کاخ ها هستند هر کدام خانه ای دارند که حداقل یک میلیارد تومان ارزش دارد و آن ها که خامنه ای را با تقوی میداند و خود زاهدانه زندگی می کنند، در تیم محافظین (حلقه اول) اجازه ورود ندارند تا مبدا دچار تضاد شوند. هیچ کدام از این محافظین وفدائیان، هیچ گاه اجازه ازدواج با دختران مسئولین رده بالا را ندارند، حتی اگر عاشق هم شوند. معمولاً ازدواج ها در سطح فامیل های بزرگ سیاسی اتفاق می افتد و یا با صنف روحانی. اما هیچگاه آن ها که بوسه بر مقدم و جای پای خامنه ای و امثال او می زنند و از قندان متبرک شده او قند می ربایند و حاضرند خود را قربانی او وایشان کنند لایق این نبوده اند که با دختری از این بزرگان ازدواج کنند.
- از محافظین 500 نفر مسئول محافظت از خانواده هستند. (یک خانواده 40 نفره تحت کنترل محافظین هستند. عروس ها و داماد ها و دختران و پسران و برادران و برادر زن ها و بعضی از بچه های برادر زن ها.)
- انتخاب شدن در رده محافظین نیازمند عبور از سه گزینش امنیتی است و زمان زیادی طی می شود تا کسی بتواند در تیم محافظین جا بگیرد. حقوق محافظین حداقل ماهی هزار دلار و حداکثر ماهی 12 هزار دلار است. وقتی کسی به حلقه محافظین وارد می شود به او کمک می شود تا در محل زندگی خود صاحب خانه ای باشد. و همینطور از یک خانه سازمانی در محل مأموریت استفاده خواهد کرد.
- از این ده هزار محافظ حدود هزار نفر آن ها زن هستند. و معمولاً کسی نمی داند آن ها محافظ هستند.

مراقبت های پزشکی خامنه ای:

دکتر مردی وزیر بهداشت سابق، هماهنگ کننده پزشکی آقای خامنه ای است. پزشکان دیگر را مردی برمی گزیند و به وقت لازم به بالین خامنه ای می آورد. در زیر زمین بیت رهبری یک بیمارستان خصوصی با 4 دکتر کشیک در طول 24 ساعت مراقبتند. در سفرهای زمینی یک بیمارستان سیار همراه خامنه ای است. هم چنین یک اتوبوس - بیمارستان که دارای اتاق عمل است برای سفرهای زمینی همواره همراه است. برای سفرهای پروازی یک هواپیما - بیمارستان با دو اتاق عمل وجود دارد. در طول 30 سال گذشته خامنه ای سه بار عمل جراحی داشته است. عمل دست پس از انفجار اوایل انقلاب. عمل جراحی اثنی عشر و عمل پروستات. هرگاه خامنه ای مریض می شود، تضادها در بیت رهبری تشدید می شود. کسانی که جنایت کرده اند و می ترسند که وقتی خامنه ای بمیرد مردم از آن ها انتقام بگیرند، نگران عاقبت کار می شوند. اما تا حال خامنه ای رو به بهبود می گذارد دوباره همه چیز را فراموش می کنند.

خانمی که خواهر قائم مقام وزارت دفاع است (یعنی خواهر احمد وحید دستجردیکه تخصص پزشکی زنان را دارد، پزشک مخصوص امور زنان) همسر و دختران و عروسان خامنه ای است.

افسردگی:

خامنه ای سال هاست افسردگی دارد. بعضی از پزشکان علت آن را گوش کردن به شنود های شبانه قبل از خواب می دانند. از آن جا که تا کسی علیه خامنه ای حرفی نزده باشد، حرفش ارزش شنودی ندارد، پس خامنه ای از طریق شنود، مدام دارد علیه خودش حرف می شنود. خامنه ای برای حفظ سیستمش به طور مستمر هر شب قبل از خواب به مدت 20 دقیقه مکالمات ضبط شده علیه خودش را، از زبان مردم، مخالفین و حتی مسئولین می شنود که منجر به ادامه افسردگی او می شود. او هر شب قبل از خواب به این نتیجه می رسد که کسی او را دوست ندارد و فردا صبح دوباره مردمی را می بیند که از ترس، خود را مرید او نشان می دهند تا به ثروت و قدرت برسند و یا از خشم او در امان باشند. خجسته خانم که گاهی شنودها را شنیده تحمل چپلوسی های روزانه خیلی ها را ندارد. بیش از هر کسی به زبان می آورد که مردم ایران دروغگو و چپلوس و خائند. خامنه ای گاهی ماساژ می گیرد. ماساژور یک ایرانی است که دکتر فیزیوتراپ است. ابتدا این ماساژ بابت دستی که در انفجار از کار افتاده بود شروع شد. اما بعدها به توصیه پزشکان معالج، بخشی از برنامه هفتگی شد.

سیستم شنود:

پس از رهبری خامنه ای، ابتدا به مدت دو سال احمد قدیریان مسئول شنود خامنه ای بود. اما اکنون حدود 15 سال است که طائب مسئول آن است. این شنود شامل سه بخش می شود. شنود مسئولین بزرگ و شنود مسئولین امنیتی و شنود مردم. در مورد امنیتی ها حتی اتاق خواب آنان نیز شنود می شود تا مراقب خیانت آنان به خامنه ای باشند در مورد شنود مردم برای آنکه فضای جامعه فهمیده شود و خامنه ای بتواند با آن مقابله کند این شنود انجام می شود. این شنود سوم نوعی نظر سنجی میدانی است. شنود دو مرکز اصلی دارد. یکی در بالای توجال و یکی در مرکز تلفن. اما یک تیم که در پشت خانه خامنه ای مستقر هستند، (در خیابان پاستور) شنودهای مربوط به خامنه ای را طبقه بندی می کنند و روزانه دو صفحه نوشته و 20 دقیقه نوار در اختیار خامنه ای می گذارند. که 5 دقیقه از آن مربوط به شنودهای اخلاقی جامعه است. علاوه بر آن تمام ملاقات های خامنه ای به صورت علنی ضبط می شود و خودش هم به حاضرین اعلام می کند که آن ها را ضبط می کند. مثلا همه ملاقات هایش با هاشمی و خاتمی و احمدی نژاد و مسئولین دیگر را ضبط می کند. نقرات اصلی اداره شنود: طائب و مهندس حمید، برادر وحید حقانیان هستند. بدین ترتیب پرونده پنهان همه مسئولین زیر بغل خامنه ای است و قوت و ضعف همه را می داند. اما کمتر کسی در مورد خامنه ای می داند، مگر ری شهری (که در زمان خمینی مامور تحقیق در مورد همه مسئولین بود از جمله خامنه ای) و در سال های اخیر هم حجازی و محمدی گلپایگانی که دانای کل شده اند و در همه امور رازها را می دانند.

ری شهری خواستار تولید شهر ری بود و خامنه ای علیرغم آن که به این امر راضی نبود، شهر ری را به او باج داد. ری شهری در زمان امام سه نوع اطلاعات را در مورد همه مسئولین، از جمله خامنه ای برای اطلاع خمینی جمع می کرد. اطلاعات جنسی، مالی و سیاسی.

در زمینه سیاسی: هنگامی که موسوی نخست وزیر بود و سیاست های اقتصادی اش مورد حمایت خمینی بود و خامنه ای با آن که رئیس جمهور بود، قانونا قدرت موسوی را در دولت نداشت، در جلسات خصوصی از حمایت خمینی نسبت موسوی انتقاد می کرد.

در زمینه مالی: دخالت خامنه ای در مورد پورسانت های فروش نفت زیر سوال بود و در زمینه جنسی: ماجرای دو زن صیغه ای او در مشهد کشف شده بود که البته هیچکدام اعتماد خمینی را از خامنه ای برنگرداند اما مطرح شدن دو زن صیغه ای در دوران جوانی اش می توانست به اعتبار او در سطح جامعه لطمه بزند. البته پس از انقلاب هیچ موردی از زنجاری از او دیده نشده و یا به او نسبت داده نشده است.

سفرهای خامنه ای:

از 365 روز سال 100 روز برنامه سفر سالانه خامنه ای است. یک ماه در تابستان و یک هفته در نوروز و یک هفته در زمستان به مشهد می رود تا در کاخی که در وکیل آباد ساخته است، اقامت کند. در ایام نوروز یک هفته در پایگاه هوایی (دزفول) در خوزستان، که منطقه خوش آب و هوایی در آن فصل از سال است می گذراند. و یک ماه در شمال ایران: معمولا زیبا کنار- ساری- رامسر - بیشه کنار و همه پنجشنبه ها و جمعه ها در کاخ نیاوران یا کاخ جمشیدیه یا کاخ لواسانات به سر می برد.

وقتی خامنه ای در سفر است هر روز یک هواپیمای اختصاصی برای گزارش کارها می رود و باز می گردد. و از آن جا که سه حلقه محافظ اطراف منطقه اقامت او را کنترل می کنند و همه محافظین حلقه اول و دوم نیز که 1200 نفر هستند بایستی سفر کنند، مینی موم خرج هر روز سفر خامنه ای 50 میلیون تومان هزینه بر می دارد. معمولا وقتی او در وکیل آباد است، هواپیمای 330 از اسب مورد علاقه او واسب مجتبی تا اثنایه دیگر مورد علاقه خانواده را با خود می برد.

گاهی خامنه ای می خواهد مثل مردم عادی سفر کند. برای این منظور یک اتوبوس ضد گلوله که 500 میلیون تومان خرج برداشته، ساخته شده است که دارای دو اتاق خواب و دستشویی و حمام است و هم چنین یک آشپز خانه کوچک که سید، آشپز مورد اطمینان آقا، در آن آشپزی می کند. اسکورت مخفی آقا به صورت پنهان اتوبوس را از پیش و پس همراهی می کنند.

خانه های خامنه ای

خانه خمینی در جماران 200 متر بود، خانه اصلی خامنه ای در پاستور 1200 متر است. (این خانه 1200 متری تنها خانه ای است که همه از آن مطلعند.)
خمینی تنها در یک خانه کوچک در قم و یا حسینیه جماران زندگی کرد اما خامنه ای از تمامی کاخ های شاه که حالت موزه نیافته استفاده می کند و حتی بر آن ها افزوده است.
در عین حال هنوز بچه های ایرانی در کتاب های درسی خود می خوانند که قاشق چای خوری شاه از طلا بوده است. و اشرافیت او باعث انقلاب شد.
زیر خانه خامنه ای در پاستور، در عمق 60 متری، یک پناهگاه 5 هزار متری ضد اتمی ساخته شده که تنها قیمت آسانسورش 5 میلیون دلار است. یک پناهگاه هم زیر کاخ وکیل آباد مشهد ساخته شده است. اما این پناهگاه اتمی در مقابل انقلاب ممانعتی نمی کند. اگر انقلابی در ایران اتفاق بیفتد خامنه ای به سوریه میگریزد و در وهله دوم به روسیه.
لجستیک خامنه ای:

در سیستم خصوصی بیت رهبری امکانات زیر به صورت اختصاصی استفاده می شود:
(1 عدد هواپیمای ایرباس) مخصوص سفرهای خودش
(2 عدد بوئینگ 707) یکی مربوط به سفرهای فامیل و یکی مربوط به محافظین
(5 عدد فالکوم) 2 تانمربوط به سفرهای خودش. یکی برای سفرهای مجتبی و دوتا برای سفرهای فامیل.
(5 عدد هلیکوپتر) 2 هلیکوپتر برای سفر خامنه ای. یک هلیکوپتر برای سفر مجتبی و دو هلیکوپتر مربوط به فامیل.
با آن که پرواز هلیکوپتر در آسمان تهران ممنوع است اما در شمال شهر تهران مدام صدای هلیکوپتر شنیده می شود.
6 باند هلیکوپتر یکی در مهرآباد و یکی در عباس آباد، یکی بغل هتل استقلال، یکی در منظره تهران، یکی در قم و یکی در لواسان.
(17 عدد ماشین ضد گلوله) هر کدام به ارزش 400 هزار دلار
(1200 عدد ماشین دیگر)

اداره کنندگان بیت رهبری:

اول قرار بود منتظری جانشین خمینی باشد. مخالفت او با کشتارها در زندان های سیاسی او را مغضوب خمینی کرد و نه تنها بر کنار شد که حتی در خانه خود زندانی شد. البته عده ای از روحانیون نیز در بر کنار کردن منتظری و جایگزین کردن خامنه ای بی نقش نبوده اند.

وقتی خمینی داشت می مرد عده ای خواستند احمد پسر خمینی جانشین او شود. احمد خود به دنبال چنین نقشی نبود. خمینی می گفت: هرکس را می خواهید بعد از من رهبر کنید اما چنین جفایی را در حق من نکنید که احمد را رهبر کنید. نگذارید مردم بگویند مثل سلطنت از خمینی به پسرش ارث رسید. عده ای هم از این فرصت به دنبال کنار زدن منتظری از قدرت و جایگزین کردن خامنه ای بودند. مثل ری شهری و محمدی گلپایگانی و حجازی و (طائب که در آن زمان بازجوی مهدی هاشمی بود) همه این گروه بعد از مرگ خمینی و به رهبری رسیدن خامنه ای همه کاره دفتر او شدند. این ها حتی با طرح شورای رهبری بعد از خمینی مخالف بودند. شورایی که قرار بود متشکل از آیت اله گلپایگانی، اردبیلی و خامنه ای باشد.

گردانندگان اصلی در بیت رهبری شخص خامنه ای و پسرش مجتبی، و بعد حجازی، محمدی گلپایگانی و وحید هستند. کارکنان بیت حدود 500 نفر در لول اول و 2 هزار نفر در لول دوم و ده هزار نفر در لول سوم کار می کنند. در حقیقت دولت و مجلس و قوه قضائیه نیستند که کشور را اداره می کنند، بلکه همه چیز در کنترل بیت رهبری است. بیت رهبری دارای ساختمان های متعددی در سطح کشور است.

بسیج در نگاه خامنه ای:

خامنه ای در ابتدا مدیر کل حزب جمهوری اسلامی بود، اکنون با همان نگاه باور دارد که بسیج می تواند برای او یک حزب باشد. حزبی که در عین حال یک ارتش است. انتقاد منتقدین به حزب پادگانی، اشاره به همین موضوع دارد. او با پول دولت و ملت برای خود یک حزب نظامی ساخته است.

بیزینس های مهم خامنه ای:

واردات شکر و برنج، ماشین ب ام و، تولید قند و شکر به نام آستان قدس رضوی، سرمایه گذاری در دبی، آلمان، عراق، آفریقای جنوبی، ونزوئلا، لبنان، چین.
اما بیزینس های بزرگتر مربوط به همان نفت و گاز است و بعد خرید تسلیحات نظامی از روسیه و چین.
خامنه ای برای آن که بتواند بیزینس های خود را کنترل کند، اشخاصی را به مدت طولانی در سمت هایی ثابت نگه می دارد. مثلا مجید هدایت زاده که 30 سال مسئول فروش نفت ایران بوده است (هدایت زاده در سال 1387 عوض شد، چون نوری زاده نام او را لو داده بود). دیگری آقای سوری مسئول حمل و نقل نفت ایران است که 30 سال است این کار را ادامه می دهد. این دو نفر را آقای خامنه ای از سال 61 منصوب کرده است. یک دوره هاشمی رفسنجانی و یک دوره خاتمی و حتی یک بار احمدی نژاد می خواستند آن ها را عوض کنند اما خامنه ای نپذیرفت. شکل کار این دو با دفتر رهبری بدین شکل بود: هدایت زاده بشکه های نفت را می فروخت و سوری آن ها را حمل می کرد و کمیسیون آن ها به حساب خامنه ای می رفت.

در 30 سال گذشته ایران حدود 700 میلیارد دلار نفت فروخته است که پورسانت فروش و حمل و نقل آن از طریق این دو نفر به حساب خامنه ای رفته است. سومین نفری که خامنه ای برای این کار وارد وزارت نفت کرد ، برادرش حسن خامنه ای بود که ابتدا در وزارت ارشاد جزو گروه سانسور بود اما بعد برای کنترل منافع خامنه ای وارد وزارت نفت شد.

کاخ های خامنه ای:

1. کاخ های لواسانات که مربوط به شخص خامنه ای، مجتبی، و محمدی گلپایگانی است.
2. کاخ جمشیدیه: کاخ سابق اردشیر زاهدی (که محل کوهنوردی خامنه ای است)
3. کاخ فیش قولا در شمال ایران
4. کاخ های باغ ملک آباد مشهد با 300 هزار متر باغ اطراف
5. کاخ نیوران
6. کاخ های سد لتیان (که قبلا کاخ شاه بوده است)

ثروت خامنه ای:

خامنه ای در سال 60 رئیس جمهور شد. در سال 61 هدایت و سوری را مسئول فروش نفت کرد و تا سال 85 آن ها عوض نشدند. در سال 62 محسن رفیق دوست را مسئول خرید اسلحه کرد از سال 1370 به ارزش زمین پی برد و از طریق ستاد اجرایی فرمان امام و بنیاد مستضعفان روی زمین های ایران دست گذاشت. در وزارت نفت از سال 63 حسن خامنه ای مسئول کنترل آقایان هدایت و سوری شد. در وزارت دفاع محمدی گلپایگانی مسئول کنترل رفیق دوست و حیدری شد. در امور زمین هم آقای لولاچیان مسئول شد و بعد با خامنه ای فامیل شد. از سال 76 به بچه هایش اجازه دخالت در بیزینس را داد. از سال 84 خودش بیزینس را کنار گذاشت و از دولت مستقیم پول گرفت. همان پول هایی که در بودجه کشور گم می شود. و کروی از احمدی نژاد در انتخابات می پرسید آن یک میلیارد چه شد؟ کل ثروت خامنه ای و خانواده اش: 36 میلیارد دلار ثروت شخص خامنه ای: 30 میلیارد دلار ثروت خانواده: 6 میلیارد دلار

پول نقد:

22 میلیارد دلار از 36 میلیارد دلار به شکل پول نقد در ایران بود که در زمان انتخابات به دلیل شلوغی کشور تصمیم به ارسال بخش عمده آن به سوریه از طریق ترکیه گرفته شد. این پول در مسیر ترکیه به سوریه لو رفت و در ترکیه توقیف شد. نگرانی خامنه ای این بود که در صورت سقوط رژیم این پول ها در ایران بماند. دولت ایران در حال تلاش برای باز پس گیری این مبلغ از ترکیه است. در این که این پول در ترکیه توقیف شده هیچکس شکی ندارد سوال این است که چرا این پول با هواپیما مستقیم به سوریه نپریده است. شاید بیم آن بوده است که هواپیما و محموله اش شناسایی و سرنگون شود. بقیه پول نقد: سه و نیم میلیارد دلار است که یک و نیم میلیارد دلار به صورت الماس و یک میلیارد دلار هم به صورت طلاست و حدود یک میلیارد به صورت اسکناس دلار است. حساب بانکی: به غیر از آن 22 میلیارد دلار نقد، ده میلیارد از 36 میلیارد در حساب های بانکی است به شرح زیر:

- یک میلیارد در روسیه
- یک میلیارد در سوریه
- یک میلیارد در چین
- یک میلیارد در ونزوئلا
- دو میلیارد در آفریقای جنوبی
- دو میلیارد در لندن
- دو میلیارد سایر کشورها

و به غیر از 22 میلیارد نقد و 10 میلیارد در حساب های بانکی، بقیه اموال به صورت ملک و سهام به مبلغ: 4 میلیارد دلار به شرح زیر:

- 2 میلیارد سهام در بازارهای دنیا
- 1 میلیارد در آفریقای جنوبی
- 500 میلیون در سوریه
- 500 میلیون در ونزوئلا

30 میلیارد ثروت خامنه ای از کجا آمده است؟

12 میلیارد دلار از پورسانت فروش نفت آمده
2 میلیارد دلار از بیزینس زمین آمده
6 میلیارد دلار از بیزینس سلاح آمده
10 میلیارد دلار احمدی نژاد ظرف این 4 سال پرداخته

بیزینس های مذهبی خامنه ای:

آستان حضرت رضا در مشهد/آستان حضرت معصومه در قم/آستان شهر ری در جنوب تهران. تمام عوائد ناشی از این آستان ها و سرمایه گذاری های آن ها تحت کنترل و مشارکت خامنه ای است. طبسی در مشهد و ری شهری شرکای او در این دو شهر هستند.

مجتبی خامنه ای:

متولد 1348. دومین فرزند خامنه ای. علاقه شخصی او غیر از سیاست و اقتصاد به اسب سواری است. طوری که برای سوار شدن بر اسب مورد علاقه اش برای زمان هایی که در وکیل آباد مشهد است، اسب او را با هواپیما 330 به مشهد می برند. مجتبی فعال ترین فرزند خامنه ای در امور سیاسی است. او سالهاست همان نقشی را بازی می کند که احمد خمینی برای پدرش بازی می کرد. در جوانی به جبهه رفته است. و در همان جا با طائب (مسئول کودتای انتخاباتی و مسئول شنود بیت رهبری ...) آشنا شده است. همسر او دختر حداد عادل است. شیوه زن گرفتن در خانواده خامنه ای این طور است که همسر خامنه ای چند دختر را برای پسرانش انتخاب می کند و پسرها پس از تأیید پدر و وزارت اطلاعات از بین آن ها دختری را انتخاب می کنند. این انتخاب ملاحظات سیاسی بسیاری دارد. وصلت با فرزندان خامنه ای، نوعی مشارکت در قدرت ایران است. به همین سبب ازدواج ناشی از عشق اولیه، تقریباً در خانواده خامنه ای منتفی است. مجتبی مدتی با همسرش بر سر بچه دار نشدن دچار اختلاف بود و حتی علاقمند بود تا زن دیگری را اختیار کند تا این که راه چاره معالجه در لندن تشخیص داده شد.

بچه یک میلیون پوندی:

مجتبی به همراه 20 محافظ، و همسرش به همراه سه ندیمه، و مادر همسرش به همراه دو ندیمه، دسته جمعی به لندن رفتند و مدت دو ماه، نیمی از هتل شرایتون پارک لین لندن را اجاره کردند تا همسرش موفق شود برای او پسر بچه ای به نام باقر را به دنیا بیاورد. بچه ای که هزینه سفر هواپیمای اختصاصی و هتل و هزینه درمان و خرج و حقوق محافظین و ندیمه های مادر و مادر بزرگش حدود یک میلیون پوند هزینه داشته است. زنان مسئولین که از موضوع خبر دارند وقتی درباره باقر (نوه خامنه ای) حرف می زنند از او به عنوان بچه یک میلیون پوندی سخن می گویند.

رابطه مجتبی و حداد عادل (پدر زنش)

مجتبی خامنه ای داماد حداد عادل است. پس حداد عادل موفق می شود به ریاست مجلس شورای اسلامی برسد. اما این روابط فامیلی، نه تنها به قدرت سیاسی میدان می دهد که زمینه همکاری های مهم اقتصادی است. در زمان آقای خاتمی ایرانسل به مناقصه گذاشته شد. مجتبی خامنه ای به دنبال آن بود که آفریقای جنوبی که به او پورسانت می داد، برنده مناقصه باشد، اما در یک مناقصه آزاد، شرکت ترک سل، برنده مناقصه شد. مجتبی ناراحت می شود و به آقای خاتمی زنگ می زند که بگوید: برنده مناقصه آفریقای جنوبی شده است. آقای خاتمی به سلیمانی می گوید قانونی عمل کنید. سلیمانی اعلام می کند ترک سل قانوناً برنده شده است. مجتبی دست به دامان حداد عادل می شود. حداد به احمد توکل می گوید که برنده شدن ترک سل خلاف امنیت ملی است و علیه دولت خاتمی تعداد زیادی مقاله نوشته می شود. خاتمی زیر بار نمی رود تا احمدی نژاد رئیس جمهور می شود. اولین کاری که احمدی نژاد می کند این است که قرار داد را بدهند به وزارت دفاع و ام تی آن به صورت مشارکتی. و بدین ترتیب مجتبی از آفریقای جنوبی پورسانت می گیرد که به حساب او در لندن ریخته می شود. (رجوع شود به سخنرانی های توکل در این مورد و همینطور به سخنرانی های سلیمانی در سایت بازتاب در اینباره)

آقای حداد به مجتبی می گوید: من این کار را برای تو کردم. حالا تو برای من یک کاری بکن. برای زمین من از قالیباف مجوز مسکونی تجاری بگیر.

حداد عادل یک زمین 300 هزار متری که انبار است را در شمال میدان رسالت مالک است. این زمین متری 200 هزار تومان می ارزید که توسط قالیباف به یک ملک مسکونی - تجاری تبدیل شد. در نتیجه این عمل زمین 300 هزار متری انبار که متری 200 هزار تومان می ارزید، یکباره به متری 3 میلیون تومان تبدیل شد. در این مورد علی اشراقی (نوه امام) مخالفت می کند که به توصیه مجتبی، توسط قالیباف، علی اشراقی هم معزول می شود. در حال حاضر بابت هر تلفن ایرانسل 2 تومان و بابت هر اس ام اس یک تومان به مجتبی می رسد. این علاوه بر پولی است که از آفریقا به حساب او پورسانت ریخته می شود. هم چنین هر بشکه نفتی که به چین و هند

فروخته می شود یک دلار به مجتبی می رسد. چندی پیش یک میلیارد و ششصد میلیون پوند که به حساب مجتبی خامنه ای در لندن رفته بود به دلیل آن که معلوم نبود، از کجا آمده است توسط انگلیس مصادره شد. همینطور رجوع شود به مقالات بی بی سی درباره سعید امامی و قتل های زنجیره ای که در آن ها به 30 درصدی که مجتبی بابت خرید اسلحه از روسیه کمیسیون گرفته اشاره شده است. گاهی دیده شده که مجتبی در بعضی سفرها به خارج از ایران ماشین بنز سفارت را که برای استقبال به پای هواپیما آورده شده راسوار نشده و سراغ ماشین ساده تری را گرفته است. و گاه حتی حاضر نشده به هتل برود و در خانه کارمندان سفارت شب را خوابیده است. این ریاکاری برای پنهان کردن هزاران رازی است که خامنه ای و خانواده اش از مردم ایران پنهان کرده اند.

ثروت مجتبی: 3 میلیارد دلار

2 میلیارد در لندن و سوریه و آفریقا
700 میلیون دلار ملک در سوریه ، ونزوئلا و لندن
300 میلیون دلار نقد (الماس و طلا و دلار)

مجتبی از سال 76 جایگزین حسن خامنه ای در نفت شد. بابت خرید بنزین تا کنون از هر تن ، بین 5 تا 15 دلار حدود 1 میلیارد دلار پورسانت گرفته است. در زمین : (یک قطعه 500 هزار متری در مشهد مال اوست) بزرگترین پاساژ و آپارتمان سازی مشهد مال مجتبی است. همه مشهدهای آن را می شناسند. 200 هزار متر زمین از قالیباف در تپه های عباس آباد گرفته است. 150 هزار متر شاپینگ در اکباتان ساخته شده که مجوزش را از قالیباف گرفته (500 میلیون دلار سود داشته است)

آشنایی مجتبی با سعید امامی:

همسر آقای خامنه ای با مجتبی پسرش و سعید امامی و همسر او با فالكوم دولت جمهوری اسلامی به مدت سه هفته به همراه محافظین به لندن می روند. علت این سفر، عمل معده مجتبی و عمل روده مادر او خجسته خانم است. در این سفر زمینه های آشنایی نزدیک مجتبی با سعید امامی برای قتل های زنجیره ای فراهم می شود. در خاطرات زن سعید امامی آمده است: سعید امامی وقتی از لندن بر می گردد ، با مجتبی خیلی دوست می شود (و پایه قتل های زنجیره ای از سال 73 شکل می گیرد). سعید امامی مسئول امنیت داخلی وزارت اطلاعات بود، از همان سال ها مخالفت با آقای خامنه ای شکل ظاهری به خود گرفت. ابتدا لات های تهران را کشتند. محسنی اژه ای و آقای خوشبخت (پدر زن مصطفی خامنه ای) حکم قتل ها را صادر می کردند و بچه های اطلاعات عملیات را اجرا می کردند.

مجتبی و قتل های زنجیره ای:

بالای دفتر آقای خامنه ای در خیابان پاستور، مجتبی خامنه ای دو اتاق دارد که ملاقات هایش را در آن جا انجام می دهد. یکبار در همان اتاق ها به سعید امامی می گوید که چرا همین کاری را که با لات ها کردی ابا روشنفکرها نمی کنی؟ سعید امامی می گوید : کتبی بنویس. حجازی رئیس دفتر آقای خامنه ای به دري نجف آبادی وزیر اطلاعات وقت می نویسد که با درخواست های آقای امامی موافقت کن. بعدها که دري نجف آبادی متهم شد که در قتل ها دخالت داشته است، گفت: در صورتی که من دستگیر شوم نامه حجازی را که مخفی کرده ام، منتشر خواهد شد تا معلوم شود که قتل های زنجیره ای دستور مجتبی بوده است. در نتیجه موضوع قتل های زنجیره ای نتوانست به گردن دري نجف آبادی بیفتد، اما کسی یقه مجتبی را هم نگرفت. سعید امامی تا زمانی که دستگیر نشده بود هر یکشنبه بعد از ظهر از ساعت 4 تا 7 شب مجتبی را در همان دو اتاق بالای دفتر رهبری ملاقات می کرده است. مصطفی و مجتبی هر کدام 16 محافظ دارند که غیر از دو نفرشان دیده نمی شوند. مجتبی درس طلبگی خوانده است و در حال حاضر گاهی در قم درس طلبگی می دهد. هنگامی که او مشغول درس دادن است 8 نفر از طلبه ها از او محافظت می کنند. مجتبی و انتخابات جدید:

در مورد انتخابات تز مجتبی این بود: طرفداران مخالف سوسولند. دو تا باطوم بخورند در می روند. تزی که جواب نداد. پس از انتخابات وقتی شعار (مجتبی بمیری، رهبری رو نبینی) بر سر زبان ها افتاد ، بسیاری از زندانیان سیاسی شلاق خوردند تا کسی یا کسانی که این شعارها را بر سر زبان ها انداخته بودند، شناسایی شوند. تصور دفتر

رهبری و خود مجتبی این بود که نام او هر چه کمتر بر سر زبان ها بیفتد، راحت تر می تواند به کارهایش ادامه بدهد. حیرت مجتبی و دفتر رهبری این بود که نام مجتبی را چه کسی بر سر زبان ها انداخته است. چرا که مجتبی تا قبل از انتخابات اخیر بیشتر پشت پرده بود.

در حال حاضر بعد از خامنه ای، مجتبی پر قدرت ترین شخص ایران است که با هماهنگی سپاه، فرمانده اصلی کودتای پس از انتخابات است. مجتبی در بعضی از موارد حتی بر خلاف نظر پدرش علی خامنه ای رفتار می کند. به عنوان مثال در آبان ماه سال 1388 به رئیس دادگاه مربوط به متهمین تجاوز و شکنجه در کهریزک توسط فیروز آبادی اطلاع داده شد که آقای خامنه ای دستور آزادی متهمین کهریزک را داده است. متهمین آزاد می شوند، اما رئیس دادگاه از لاریجانی رئیس قوه قضائیه می پرسد: چرا بیت رهبری از طریق شما به من امر نکرده اند؟ لاریجانی اظهار بی اطلاعی می کند اما اصرار می کند که قضیه را مسکوت بگذارد تا از شخص آقا بپرسد. و می گوید قرار است پس فردا شرفیاب شوم. دو روز بعد از آقای خامنه ای می پرسد: که چرا از طریق من به رئیس دادگاه ابلاغ نفرمودید؟

خامنه ای اظهار بی اطلاعی می کند و می گوید من چنین دستوری نداده ام. فیروز آبادی که در آن لحظه برای بازدید در قزوین بوده است احضار می شود و با هلیکوپتر خودش را به بیت می رساند. خامنه ای از او می پرسد: تو چنین دستوری داده ای؟

فیروز آبادی می گوید: بله من گفتم.

خامنه ای می پرسد: از چه کسی چنین دستوری گرفتی؟

فیروز آبادی می گوید اجازه بدهید خصوصی عرض کنم. خامنه ای به او حکم می کند تا فوری گزارش دهد. و او می گوید: آقا مجتبی فرمودند. و دوباره خامنه ای دستور دستگیری مجدد متهمین کهریزک را صادر می کند.

در مورد انتخاب شدن احمدی نژاد هم قصه از این قرار بود که کروبی در موقع شمارش آرا خوابش برد و وقتی از خواب برخاست احمدی نژاد از او پیشی گرفته بود. قالیباف نیز نقل می کند که قرار بود من رئیس جمهور شوم اما یکباره عنایت آقا از من برداشته شد. در همه موارد این مجتبی بوده است که به سپاه و بسیج می گفته است که آقا می خواهد شما به چه کسی رای بدهید. این موضوع را کروبی پس از انتخابات احمدی نژاد در دور اول افشا کرد.

تا پیش از انتخابات، مجتبی خامنه ای به عنوان نفر دوم دفتر رهبری، تنها برای سیاسیون درجه اول نظام شناخته شده بود، اما حوادث بعد از انتخابات ریاست جمهوری 1388 نام مجتبی را به عنوان عامل اصلی کودتا بر سر زبان ها انداخت.

مجتبی و ولیعهدی او:

بسیاری معتقد بودند که آقای خامنه ای برای بعد از خودش به شاهرودی فکر کرده است. زیرا خامنه ای نمی تواند با جانشینی مجتبی پسرش احساس نظام پادشاهی یا موروثی را برای مردم تداعی کند. موضوع جانشینی پسر به جای پدر حتی در زمان خمینی هم مطرح شد. عده ای به خمینی پیشنهاد کردند که احمد آقا پسر او پس از خمینی جانشین او باشد. خمینی خود بیش از هر کسی مخالف بود. او صراحتاً به هاشمی رفسنجانی گفت: هر کس را می خواهید به جز احمد جانشین من کنید اما در حق من چنین جفاپی را نکنید. نگذارید مردم بگویند مثل شاه قدرت از خودش به پسرش ارث رسید. اما عده ای و کم کم حتی مردم این فرض را پذیرفته اند که در جمهوری اسلامی هر چیز می تواند اتفاق بیفتد. انتشار یک وصیت نامه پس از مرگ خامنه ای، و یا حتی یک کودتای نظامی توسط سپاه، با اعلام مریمی نا بهنگام خامنه ای می تواند قدرت را به طور کامل در اختیار مجتبی قرار دهد. مجتبی در حوزه علمیه درس خارج خوانده است و در مدرسه گلپایگانی درس فقه می دهد. او بیش از هر کسی روی پدرش اثر دارد. در بیت رهبری کارهای مختلف بین پسران خامنه ای تقسیم شده است. سهم مجتبی مسئولیت سازمان های نظامی و امور اقتصادی و امور شخصی خامنه ای است.

مصطفی خامنه ای:

با آن که مصطفی پسر اول و ارشد خامنه ای است اما مجتبی گوی سبقت را از او ربوده است. شرکت مخابرات که به سپاه داده شد، دعوای مجتبی و مصطفی بوده است. چون مجتبی ایرانسل را داشت، مصطفی رفت تا از طریق سپاه مخابرات را صاحب شود و چون کسی از سپاه حساب پس نمی خواهد، پس مصطفی پشت سپاه می تواند خود را مخفی کند.

مصطفی نیز درس طلبگی خوانده است. و اگرچه در حاشیه مجتبی به سرکوب مشغول است اما علاقه او بیشتر به امور اقتصادی است. در ایران هر پژوهی که فروخته می شود، حدود 150 هزار تومان سهم مصطفی است. تا به حال در ایران 2 میلیون پژوه فروخته شده. فراموش نشود در ایران سالانه بیست و چند هزار نفر در تصادفات می میرند و بخش عمده آن به وضعیت بد ماشین های در حال تردد بر می گردد که صرفاً برای سود بیشتر آقا زاده ها تولید می شوند، نه برای مصرف بهینه مصرف کنندگان.

مصطفی در طلبگی درس خارج خوانده و اصول و فقه درس می دهد. همسر مصطفی، دختر آیت اله خوشوقت است کسی که حکم قتل ها را به همراه محسنی اژه ای در مورد ترور لات ها صادر کرد. مصطفی صاحب یک فرزند به نام جواد است. و مسئولیت سازمان های مذهبی در بیت رهبری با اوست.

ثروت مصطفی: یک ونیم میلیارد دلار

1 میلیارد در حساب بانکی آفریقای جنوبی و سوریه
400 میلیون دلار ملک در آفریقای جنوبی و آلمان
100 میلیون دلار الماس و پول نقد در تهران

قرار داد پژو در زمان نجات حسینیان وزیر صنایع سنگین بسته شد. سال های اول سودی در کار نبود تا غروی آمد. بعد ایران خودرو زیر نظر مصطفی کار می کرد. دو میلیون پژو فروختند. 150 هزار تومان بابت هر پژو به مصطفی رسید. پسر محمدی گلپایگانی که در فرانسه درس حقوق می خواند، مسئول اداره پژو و امور ایرباس در فرانسه شد. وقتی پسر محمدی گلپایگانی به تهران آمد کار را به خود مصطفی منتقل کرد.

امور اقتصادی دیگر مصطفی:

مصطفی در شهر تهران کار خرید و فروش زمین می کرد و می کند.
دعوی رفیق دوست در سال 74 و 75 دعا سر تقسیم پول با بچه های خامنه ای بود و در همین رابطه خدا داد را دستگیر کردند.
شرکت خط هوایی کاسپین که ده هواپیما دارد زیر نظر مصطفی کار می کند. ابتدا زیر نظر رحبی نامی کار می کرد که رحبی را بیرون کردند.
واردات بی ام و نیز مال مصطفی است.
یک ماجرای باور نکردنی: هواپیمای پادشاه بورنای را به مبلغ 100 میلیون دلار خریدند. مصطفی و گلپایگانی و پسر گلپایگانی برای معامله به سفر رفتند. یک سوری دلال معامله بود. 70 میلیون دلار پول نقد داده شد. اما دلال سوری پول را خورد و هواپیما را هم نداد و در دنیا گم و گور شد. عده ای هم می گویند گلپایگانی سر مصطفی کلاه گذاشته است.

پروژه مصطفی این است: هر ایرانی یک پژو.

مسعود خامنه ای:

متولد 1353 است. همسر او سوسن خرازی فرزند آیت اله خرازی و خواهر صادق خرازی است. پس از انتخابات خانواده آیت اله خرازی بابت آبرویی که از آن ها به سبب حوادث پس از انتخابات رفته است ، مساله دار شده اند و سوسن خرازی به خانه پدری برگشته و در شرف طلاق از مسعود است. مسعود بیش از برادران دیگر خود روشنفکر نشان می دهد. او در دانشگاه درس حقوق خوانده و مسئولیت بنیادها در بیت رهبری و مسئول سایت خامنه ای است.

ثروت مسعود: 500 میلیون دلار

400 میلیون دلار حساب بانکی در فرانسه ، لندن ، سوریه
100 میلیون دلار نقد در تهران
واردات رنو مال مسعود است. قرارداد رنو زمان خاتمی بسته شد. بچه های وزارت صنایع داشتند قرارداد رنو را می بستند که توسط احمد توکل جلودگری شد . وقتی میثم وارد قرارداد شد، احمد توکل گفت: مشکلی ندارد و مساله حل شده است.
محمد خامنه ای برادر خامنه ای برای امضای قرارداد با مسعود به پاریس رفت. موقع افتتاح خط ، مسعود و محمد خامنه ای نیز حضور داشتند.
مسعود خلبنای بلد است. و می تواند است با فالكوم پرواز کند.

میثم خامنه ای:

متولد سال 1357. همسر او لولاجیان فرزند یک بازاری است. ماشین ال90 رنو توسط مسعود خامنه ای و عمویش محمد خامنه ای تا سالی صد هزار مورد وارد ایران می شود و بابت هر ماشین 500 هزار تومان به میثم و عمویش می رسد. میثم الهیات خوانده است و اکنون در دفتر خامنه ای کار می کند. مسئولیت ستاد اجرایی بیت رهبری با میثم است.

ثروت میثم: 200 میلیون دلار

در حساب سوریه: 190 میلیون دلار
نقد: 10 میلیون دلار

بشری خامنه ای:

متولد 1359. شوهر او پسر محمدی گلپایگانی (رئیس دفتر خامنه ای) است. سن او 2 سال از انقلاب کمتر است و مثل خواهرش هدی قد بلند و لاغر است و موهای بوری دارد. او وقتی به مدرسه می رفت 2 محافظ تا بیرون آمدن او از مدرسه پشت در می نشستند. بشری خامنه ای با زن طائب رفت و آمد داشت. یک روز بشری به خانه طائب می رود و می بیند تن زن طائب سیاه است. از او علت را می پرسد و زن طائب به گریه می زند و درد دل می کند که دیشب طائب اسلحه را روی سر من گذاشته بود و می گفت که اعتراف کن که با برادرت رابطه جنسی داشته ای. اگر اعتراف نکنی شلیک می کنم. و بعد هم مرا زد. این داستان توسط بشری به گوش خامنه ای می رسد و منجر به اخراج طائب برای مدتی کوتاه از بیت رهبری می شود.

ثروت بشری: 100 میلیون دلار نقد (که از بیزینس به دست نیامده و هدیه پدر است).

هدی خامنه ای:

متولد 1360 همسر پسر برادر آقای کنی است. علاقه او و خواهرش مثل علاقه دو زن معمولی به آرایش و تغییر لباس است. در مهمانی های زنانه با دامن کوتاه حاضر می شوند. تا پیش از انتخابات یک آرایشگاه مشهور در خیابان فرشته را قوروق می کردند تا آرایش موهای خود را تغییر دهند. اما از زمان انتخابات به بعد اتافی در دفتر رهبری به یک آرایشگاه تبدیل شده تا امنیت دختران و عروسان خامنه ای در فضای نا امن بعد از انتخابات بیشتر شود.

ثروت هدی: 100 میلیون دلار نقد (از پدر هدیه گرفته است).

برادران خامنه ای:

حسن برادر خامنه ای 500 میلیون دلار ثروت دارد که 400 میلیون آن در سوریه و لندن 20 میلیون دلار نقد در تهران 80 میلیون دلار در حساب لندن و دبی است. او مدتی در وزارت ارشاد مسئول سانسور و مدتی در وزارت نفت مسئول نظارت بر فروش و حمل و نقل نفت بوده است.

محمد برادر خامنه ای 100 میلیون دلار ثروت دارد. هادی خامنه ای که در دوره شاه به 3 سال زندان محکوم شده بود به دلیل فاصله اش از این خاندان منزله تر زندگی می کند. او جزء طیف اصلاح طلبان است و سردبیر روزنامه حیات نو است، که گاهی روزنامه اش هم توقیف می شود.

ثروت های حاشیه ای و ناگهانی خانواده خامنه ای:

در زمان نوربخش به شرکتی که مال محمدی گلپایگانی و پسرش بود و به همراه بچه های سپاه و با مدیریت قاسم سلیمانی اداره می شد ارز داده می شد و در دبی می فروختند. این ها ارز را می خریدند به 400 تومان و یک بار سه روز بعدش فروختند به 800 تومان. 5 میلیارد دلار ارز به طور ناگهان دو ونیم میلیارد دلار سود کرد. از طرف قوه قضائیه هفت هشت نفر در این رابطه دستگیر شدند که سلیمانی از طرف آقای خامنه ای آن ها را آزاد کرد. (دوره آقای خاتمی بود و شاهرودی را تهدید کردند تا آن ها را آزاد کنند.) از قرارداد های اسلحه: (تانک و موشک و ضد هوایی) فقط 10 میلیارد دلار با چین معامله اسلحه شده است (3 میلیارد دلار کمیسیون گرفته شده، چون کمیسیون قرار داد اسلحه بالاست) 11 میلیارد دلار از روسیه اسلحه خریده شده است. (3 میلیارد دلار کمیسیون گرفته شده است.)

حدود دو و نیم میلیون بشکه نفت ایران روزانه فروش می رود که یک میلیون ونهصد هزار بشکه آن از طرف خامنه ای فروخته می شود. بابت حمل و نقل هر بشکه نفت 5 سنت کمیسیون بر می دارند. بعضی از پول ها هم برای پروژه های سری است و کسی حسابش را ندارد. پروژه های اتمی / نظامی / حزب اله / و پروژه های خارج از کشور. مثلا می گویند 20 میلیون دلار می خواهیم. نصفی اش را خرج می کنند و نصفی اش را خودشان بر می دارند. حالا معلوم است که چرا خامنه ای که با روضه اباعبدالله سر کار آمده است برای کدام منافع به راحتی در روز عاشورا آزادخواهان و حتی عزاداران حسینی را می کشد.